

بررسی نقش تربیت اخلاقی از دیدگاه منابع اسلامی

محمدلطیف محبی^۱

^۱دکتری قرآن و علوم تربیتی؛ مجتمع آموزش عالی علوم انسانی. فروردین ۱۴۰۵. ۹۳۷۸۲۶۹۸۴۹. ml Mohebi ۱ @ gmail.

چکیده

این تحقیق باهدف بررسی نقش تربیت اخلاقی، باروش توصیفی- تحلیلی و استنتاجی و با تأکید بر منابع اسلامی، انجام شده است. درک واضح از مفهوم اخلاق و تربیت اخلاقی، بیان اهمیت، توصیف برخی از آسیب‌های پژوهشی دراین زمینه، تبیین بعضی از مهمترین نقش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه منابع اسلامی، بخشی از اهداف پژوهش بوده است. برخی از یافته‌های پژوهش موارد زیر است: موضوع اخلاق دارای گستره‌ای وسیع است؛ شامل همه دوره‌های رشد انسان از کودکی تا کهن‌سالی و همچنین شامل بعد جوارحی و جوانحی انسان است. بعد از مباحث توحید و معادشناسی، اخلاق مهمترین موضوع در حوزه مطالعات اسلامی است. بنابه برخی از دیدگاه‌ها، مباحث اخلاق در پنج محور مورد بررسی قرار گرفته است: فرا اخلاق، اخلاق هنجاری، اخلاق توصیفی، روان‌شناسی اخلاق و جامعه‌شناسی اخلاق. فرایند شکل‌گیری قواعد اخلاقی، در روان‌شناسی رشدشناختی مورد تحقیق قرار گرفته است ولی درحوزه مطالعات اسلامی، پژوهش مستقلی دراین زمینه مشاهده نگردید. در نهایت خودسازی، تقویت فضایل، تحول اجتماعی، جذب مخاطبان، مدیریت هیجانات و نشانگرهای غیرکلامی، تخصصی شدن مقوله‌ای اخلاق در اخلاق کاربردی و حرفه‌ای، ضمانت اجرای قوانین و مقررات و دستیابی به سعادت و کمال؛ بخشی از مهمترین نقش‌های تربیت اخلاقی است.

کلید واژه‌ها: اخلاق، تربیت، تربیت اخلاقی، نقش، منابع اسلامی، نشانگرهای غیرکلامی.

مقدمه

موضوع این پژوهش، نقش تربیت اخلاقی از دیدگاه منابع اسلامی است. مسائل اخلاقی از منظرهای مختلف دارای گستره‌ای وسیع است. از نظر زمانی؛ شامل همه‌ای دوره‌های رشد انسان از کودکی تا کهن‌سالی است. از نظر ابعاد؛ شامل بعد جوارحی و جوانحی است؛ از این نظر اخلاق نسبت به فقه از گستره‌ای وسیع‌تری برخوردار است؛ زیرا فقه تنها به افعال جوارحی و احکام پنچگانه‌ای آن بحث می‌کند، ولی محدوده‌ای اخلاق علاوه بر افعال جوارحی، شامل فعالیت‌های جوانحی نیز می‌شود. گاه افعال جوانحی آثار مهم‌تر از افعال خارجی دارند، گرچه شامل ثواب و عقاب نیز نباشند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۸-۵۹). ارزش‌های اخلاقی در صورتی دارای کارکرد مفید و اثر بخش خواهد بود که حد اقل دارای شرایط ذیل باشد: ابتدا خود فعل صلاحیت داشته باشد؛ یعنی عمل صالح باشد (حسن فعلی). در قدم بعد نیت و انگیزه‌ای فاعل (حسن فاعلی). در قدم سوم؛ عملیاتی نمودن درست و حساب شده، است به عبارتی اجرایی نمودن عالمانه‌ای یک ارزش اخلاقی، مکمل این فرایند است. بعنوان مثال تواضع یک فضیلت است ولی عملیاتی نمودن آن نیز تابع قواعد و آداب است. تواضع در کجا و با چه کیفیت باشد؟

دراینکه مباحث اخلاق در چند محور مورد بررسی واقع شده است، دیدگاه‌ها متفاوت است ولی آقای داروال و همکاران (۱۳۸۱) مباحث علم اخلاق را در پنج محور بررسی کرده‌اند: یک. اخلاق تحلیلی یا فرا اخلاق؛ شامل معناشناسی، تحلیل گزاره‌های اخلاقی، معرفت‌شناسی اخلاقی (زندگی، ۱۴۰۰، ص ۲۶-۲۷). دو. اخلاق دستوری یا هنجاری در باب اخلاق هنجاری (معیاری که فعلی را صواب و خطا و یا درست و نادرست می‌کند. بیش از هشتاد رویکرد اخلاقی وجود دارد که مجموع آنها در سه رویکرد و مکتب و باسه معیار قابل تقسیم است: یک؛ مکاتب وظیفه‌گرا؛ مکاتب پیامدگرا و مکاتب فضیلت‌گرا (همان، ص ۲۷-۲۸). سه؛ اخلاق توصیفی. چهار؛ روان‌شناسی اخلاق. پنج؛ جامعه‌شناسی اخلاق (همان، ص ۳۰). تفصیل مکاتب فوق در همین منبع دربخش مقدمه، با تحقیق مترجم آمده است. بنابراین مبحث اخلاق از منظرهای مختلف و بارویکردهای متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. بعنوان مثال در روان‌شناسی رشدشناختی، فرایند شکل‌گیری اخلاق و قواعد اخلاقی براساس مراحل رشدشناختی انسان، تجزیه و تحلیل شده است. مانند پژوهش‌های ژان پیاژه و کلبِرگ. در برخی از منابع فلسفه‌ای اخلاق مورد بررسی واقع شده است. در اغلب دیگر از منابع دیگر فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی تبیین شده است. اما در این مقاله با توجه به آسیب‌های منابع در دسترس و موضوعات نوپدید در عصر کنونی، نقش تربیت اخلاقی از دیدگاه منابع اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. که بنای آن بر تخصصی شدن اخلاق در موضوعات و حرفه‌ها و مشاغل است. همچنین یکی از مهمترین کارکردها و نقش تربیت اخلاقی، مدیریت مکمل‌های (نشانگرها) رفتار اخلاقی است که این علایم و شرایط،

کل رفتار را تحت تاثیر قرار می دهند. بعنوان نمونه لحن و آواگری، کل پیام و رفتار اعم از رفتار اخلاقی و یا هر نوع رفتار دیگری را تحت تاثیر قرار می دهند. گرچه نقش های اخلاق تربیت یافته، زیاد است؛ ولی در این پژوهش به بررسی موارد محدودی از آن پرداخته می شود تا نقش های تربیت اخلاقی به صورت عینی و ملموس و بانگاه تخصصی و مصداقی و با استناد بر منابع اسلامی، توصیف و تبیین گردد و در نهایت دارای سنجش و ارزیابی کیفی و کمی برای مربی، مربی و دیگران نیز باشد.

اهمیت و ضرورت

تربیت اخلاقی دارای اهمیت ویژه است؛ زیرا از منظر زمانی و مکانی محدودیت ندارد. همچنین در برگیرنده ای همه ساحات و ابعاد شخصیت آدمی است اعم از ظاهر و باطن و نیز در برگیرنده ای همه مراحل رشد انسان (کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و سالمندی) است (کیری، ۱۳۹۱، ص ۳۹). اهمیت تربیت اخلاقی به سبب اهمیت اخلاق است و یکی از اهداف دین نیز تربیت اخلاقی انسان هاست. رسول خدا (ص) فرمود: *حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ* (الخصال، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰). موضوع تربیت اخلاقی بعد از توحید و معاد شناسی دارای اهمیت ویژه است. در قرآن یکی از اهداف پیامبران الهی و بعثت رسول اکرم (ص) تزکیه به حساب آمده است: *هُوَ الَّذِي يَبْعَثُ فِي الْأُمَمِ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ* (جمعه: ۲). او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب و حکمت می آموزد؛ هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

به علاوه تزکیه عامل نجات و فلاح انسان به حساب آمده است (شمس: ۷-۱۰۹). احیاء ارزش های اخلاقی، پیش نیاز حاکمیت قوانین الهی در جامعه است. به همین دلیل رسول خدا (ص) فرمود: *إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ* (بحار، ج ۶۸، ص ۳۶۲). من برگزیده شدم تا فضایل اخلاقی را به اتمام برسانم. از دیدگاه منابع اسلامی، ارزش هر انسانی به میزان اخلاقی است که دارد. امروزه با همه پیشرفت هایی که بشر در عرصه های علم و فناوری داشته است؛ به گونه ای که تسلط او بر طبیعت بیشتر از گذشته است؛ اما از منظر اخلاق گرفتار چالش های ریز و درشت مختلفی است؛ زیرا نفس انسانی تزکیه نشده است. به علاوه چالش های مختلفی دیگر نیز در تعاملات اجتماعی به وجود آمده است. اغلب افراد از نوع تعامل با ادارات، مراکز خدمات، آموزشگاه ها، خانواده و هر جایی دیگری که به هر نحوی در گیر پاسخ گویی به نیازهای آنان است؛ شکایت دارند.

اخلاق بعنوان یک فضیلت جهان شمول، پیش‌نیاز تعامل مثبت، انسجام اجتماعی میان اعضای خانواده، ارباب رجوع و کارگزاران ادارات، معلمان و شاگردان، مشتریان و فروشندگان و مانند است. بهترین شاهد عینی، موفقیت های رسول خدا(ص) در ابتدای دعوت شان است. اغلب موفقیت‌های ایشان مرهون اخلاق بوده است و فضیلت های اخلاقی در تک تک رفتار و حرکات و سکانات ایشان متبلور بود. عرب های صدر اسلام اغلب بی‌سواد و یا کم سواد بودند ولی همه‌ای انسان‌ها، ارزش‌گرا و فضیلت‌گرا هستند؛ در آن شرایط فرصت تشکیل کلاس‌های تربیتی و آموزش اخلاق نیز نبود. ولی آنها به صورت عینی و مشهود، رفتارهای پیامبر خدا را بررسی می‌کردند و می‌دیدند که عمل وی تبلور ارزش‌های اصیل انسانی است. در نتیجه گروه، گروه داخل صفوف مسلمانان می‌شدند. این پژوهش موضوع تربیت اخلاقی را به شکل محدودتر و ملموس‌تر و با عنوان نقش تربیت اخلاقی، به بررسی گرفته است. هدف نگارنده، تبیین نقش اخلاق به شکل تخصصی‌تر و جزئی‌تر است.

پیشینه

اخلاق و تربیت اخلاقی، همزاد بشر است (فعالی، ۱۳۹۷، ص ۲۹۸). چنانچه یک موضوع جهان شمول نیز می‌باشد؛ زیرا همه ادیان توحیدی و آیین‌های شرقی و غربی و مکاتب مختلف بشری، از اخلاق به نیکی یاد کرده‌اند و طرفداران خویش را به پیروی از آموزه‌های اصیل اخلاقی دعوت نموده‌اند. پیشینه‌ای این موضوع از دیدگاه منابع اسلامی به زمان پیامبر خدا(ص) و ایمة اهل بیت(ع) می‌رسد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ص ۹). و اگر منظور تدوین و تبویب منظم آن باشد، تاریخچه آن به پس از زمان پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) می‌رسد. در طول تاریخ محققان مختلف و بارویکردهای متفاوتی در این زمینه، پژوهش‌های انجام داده‌اند که برخی در قالب متون حدیثی بوده است؛ از قبیل کتاب الکافی که در بخش اصول و کتاب الایمان و الکفر و کتاب العشره به بیان روایاتی اخلاقی پرداخته است. منابع دیگر نیز با استفاده از آیات و روایات به اهمیت و ضرورت اخلاق، آثار و فواید، مبانی، عوامل و موانع، روش‌ها، اصول، توصیف فضیلت‌ها و رذیلت‌ها، گام‌ها و مراحل خودسازی و موارد دیگر پرداخته‌اند که به ذکر چند مورد اکتفا می‌شود.

الف؛ خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ ق). ب؛ ابوحامد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق). ج؛ سید بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ ق). د؛ فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ ق). ه؛ ملامهدی نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ ق). و؛ سید عبدالله شبّر (۱۱۸۸-۱۲۴۲ ق). ز؛ امام خمینی(ره) (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ش). برخی از منابع به شکل تخصصی و رویکرد جدید به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که به موضوع این مقاله، نزدیک‌تر است و به چند نمونه به طور اجمالی اشاره می‌شود. ۱. مقداد یالجن (متولد ۱۹۳۷م) اهل ترکیه دارای آثار مختلف است. یکی از آنها کتابی است با عنوان: التربه الاخلاقیه الاسلامیه. که در سال ۱۳۹۵ ش توسط آقای بهروز رفیعی در چهار بخش و هر بخش دارای چند فصل، ترجمه شده

است. این منبع تا حدودی جامع است؛ یعنی به کلیات و مفاهیم، نقش اخلاق، مبانی، اصول و روش‌ها، مراحل، عوامل و جزآن پرداخته است. این منبع یک کتاب تحقیقی و مفید است.

۲. اخلاق در قرآن؛ اثر استاد مصباح یزدی. پیام قرآن با عنوان اخلاق در قرآن اثر آقای مکارم. مبادی اخلاق در قرآن و مراحل اخلاق در قرآن اثر علامه جوادی آملی در این زمینه با رویکرد تخصصی و قرآنی است. دیگر منابع که در بخش فهرست منابع آمده است هریک به مطالب مرتبط با حوزه‌ای اخلاق و تربیت اخلاقی پرداخته اند. ولی راجع به موضوع خاص این مقاله با این سبک و مشخصه و به صورت مستقل و جامع، مطالبی در منابع در دسترس مشاهده نگردید. اندیشوران حوزه اخلاق و عرفان با رویکردهای مختلف در طی قرن‌ها تلاش‌های وافر انجام داده اند که از برخی آثاری مکتوبی هم به جا نمانده است ولی از بعضی دیگر مطالبی به یادگار مانده است.

امروزه با توجه به چالش‌ها و مسائل نو پدید و اثرگذار؛ می‌طلبند تا آثار بزرگان و منابع اسلامی بازخوانی گردیده و طبق مقتضیات زمان، نقش، فواید و کارکردهای مشخصی از تربیت اخلاقی را به صورت تخصصی‌تر و مصداقی، تبیین نماییم. بعنوان مثال اخلاق کاربردی و حرفه‌ای، نمونه‌ای از این نوع تلاش است. اما تربیت اخلاقی از دیدگاه نگارنده‌ای این پژوهش، به صورت جزئی‌تر به نقش تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام پرداخته تا قابل ارزیابی، سنجش و نمره دادن باشد. برخی از آسیب‌های منابع موجود در این زمینه مواردی ذیل است: تکراری بودن، کلی‌گویی، اجمال‌گویی و مانند آن. در نهایت پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: نقش تربیت اخلاقی از دیدگاه منابع اسلامی چیست؟ تخصصی شدن مقولات اخلاقی به چه معناست؟ و در نهایت اینکه علایم و نشانگرهای غیر کلامی تا چه حد بر رفتارهای اخلاقی تأثیرگذارند؟

مفاهیم

۱. اخلاق؛ در لغت، واژه اخلاق کلمه عربی و جمع است از ریشه خَلَق و خُلِق، با این تفاوت که خُلِق بر سجایا و صفات نفسانی اطلاق می‌گردد؛ اما خَلَق ناظر به هیأت‌های ظاهری است (لسان‌العرب، ج ۱۰، ص ۸۷).

در اصطلاح؛ واژه اخلاق در اصطلاح دارای معانی متعددی است: ۱. صفات پایدار نفسانی که سبب می‌شوند تا کار متناسب با آنها بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۵).

۲. صفات نفسانی: گاهی مراد از اخلاق صفات نفسانی (پایدار و ناپایدار). و درونی است؛ ۳. فضایل اخلاقی: گاهی اخلاق فقط به ارزش‌های مثبت و فضایل درونی اطلاق می‌گردد؛ ۴. از دیدگاه برخی فیلسوفان غرب، اخلاق به مثابه‌ای نهادهای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که برای پیشبرد اهداف جامعه کار آمد و سود مند است؛ ۵. نظام رفتاری: به نظام‌های رفتاری مطلوب و مقبول و حاکم در میان فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، اخلاق اطلاق می‌گردد (فعالی، ۱۳۹۷، ص ۲۹۶). برخی گفته‌اند اخلاق در اصطلاح عبارت است از: مجموعه ملکات نفسانی، صفات و خصایص روحی و افعال ارزشی (سادات، ۱۳۷۲، ص ۸).

۲. علم اخلاق: علم اخلاق علمی است که به شناسایی فضایل و رذایل نفسانی پرداخته و همچنین ارزش افعال و ملکات را نیز مشخص می‌سازد (فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۲، ص ۲۳).

۳. تربیت اخلاقی: تربیت اخلاقی عبارت است از آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی (داودی، ۱۳۸۸، ص ۱۰). برخی گفته‌اند تربیت اخلاقی از نگاه اسلام عبارت است از پروردن انسان شایسته که در زندگی درهمه حال به خیر تن دهد و از شر تن زند (یالجن، ۱۳۹۵، ص ۲۸۹). برخی دیگر گفته‌اند منظور از تربیت اخلاقی عبارت است از: چگونگی به کارگیری و پرورش استعداد های درونی انسان برای تثبیت و رشد صفات و رفتارهای پسندیده ای اخلاقی به منظور نیل به مکارم و فضایل اخلاقی و دوری گزیدن از رذایل اخلاقی (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۹).

نقش تربیت اخلاقی

۱. خودشناسی و خودسازی

اولین و مهمترین نقش اخلاق تربیت یافته خودشناسی، تهذیب نفس و جهاد با نفس است (خودسازی). رسول خدا (ص) فرمود: أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ (الأمالی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۷). برترین جهاد، جهاد با نفس است. طبیعی است که مبارزه با هوای نفس، در درجه ای اول، مبتنی بر شناخت نفس است. پیامبر خدا (ص) در جای دیگر فرمود: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰، ص ۱۳). خودشناسی، پیش نیاز خداشناسی است.

۲. تقویت فضایل و کاهش رذایل

یکی از نقش‌ها و کارکردهای اخلاق تربیت‌یافته؛ تقویت فضایل و کاهش رذایل است. اخلاق، علمی کارآمد است؛ یعنی می‌تواند انسان‌را به سوی فضیلت‌ها راهنمایی کرده و از رذیلت‌ها باز دارد (فعالی، ۱۳۹۷، ص ۲۹۷). نتیجه‌ای تقویت فضایل و کاهش رذایل، دستیابی به زندگی پاک و حیات طیبه است. قرآن فرمود: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷). دلالت تربیتی و اخلاقی آیه این است که پاسخ عمل ارزشی و کردار شایسته، حیات شایسته و پاداش مادی و معنوی مهم‌تر است. مفسران برای «حیات طیبه» تفسیرهای متعددی ذکر کرده‌اند؛ ولی با توجه به جمله «و لنجزيهم» که ناظر به پاداش اخروی است، بیشتر به نظر می‌رسد که اشاره به زندگی پاکیزه‌ای این دنیا باشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۵۵).

۳. تحول اجتماعی

مسائل اخلاقی علاوه بر جنبه‌های معنوی و اخروی، تأثیر عمیقی در زندگی مادی و دنیوی انسان دارد. هرگونه دگرگونی اجتماعی، بدون دگرگونی اخلاقی امکان‌پذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۷-۵۸). امام صادق (ع) فرمود: *إِنَّ الْبِرَّ وَحُسْنَ الْخُلُقِ يَعْمرَانِ الدِّيَارَ وَيَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ* (بحار، ج ۶۸، ص ۳۹۵). نیکو کاری و حسن خلق، خانه‌ها و شهرها را آباد و نیز عمرها را طولانی می‌کند.

۴. جذب حداکثری و استحکام دوستی

ارزش‌های اخلاقی سبب جذب حداکثری مخاطبان و استحکام دوستی میان افراد جامعه می‌شود. قرآن فرمود: *وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ* (فصلت: ۳۴). قرآن ابتدا فطرت و وجدان آدمی را بیدار می‌سازد که خوبی و بدی مساوی نیست؛ یعنی هریک دلالت‌ها و پیامدهایی متفاوتی دارند؛ در نتیجه‌گیری و ادامه به ما می‌گوید: بدی را باخوبی، پاسخ بده؛ در این صورت می‌بینی که دشمنی تبدیل به دوستی می‌گردد. قرآن در ذیل آیه به حکمت و فلسفه این کار اخلاقی پرداخته است. آنچه را قرآن در این آیه بیان کرده، در آیه ۹۶ سوره مؤمنون نیز به شکل دیگری آمده است: *ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ*. این شیوه از مهم‌ترین، ظریف‌ترین و پربارترین روش‌های تبلیغ به ویژه در برابر دشمنان نادان است. تحقیقات روان‌شناسان نیز به آن منتهی شده است؛ زیرا هرکس بدی کند انتظار مقابله به مثل را دارد ولی هنگامی که ببیند طرف مقابل نه تنها بدی را به بدی پاسخ نمی‌دهد، بلکه باخوبی و نیکی به مقابله برمی‌خیزد، اینجاست که طوفانی در وجودشان برپا می‌شود وجدان‌شان بیدار می‌گردد، انقلابی در درون جان‌شان صورت می‌گیرد، برای طرف مقابل عظمت قائل می‌شوند. اینجاست که کینه‌ها و عداوت‌ها با طوفانی از درون جان برخاسته و جای آن‌را محبت و صمیمیت می‌گیرد.

(تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۸۱). لی (ع) فرمود: مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ كَثُرَ مَحَبُّهُ وَ اُنْسَتِ النَّفْسُ بِهِ (تصنیف غررالحکم، ص ۲۵۵). کسی که اخلاقش نیکو باشد، دوستانش فراوان می گردد و مردم به او انس می گیرند. بنابراین رعایت موازین اخلاقی نه تنها سبب جذب هم فکران می شود؛ بلکه بارعایت شرایطی سبب جذب دشمنان دین نیز می شود. در نهایت تربیت اخلاقی براین نکته تأکید دارد که کاربست آموزه های دینی و اخلاقی، نیز نیاز به شرایط و رعایت آداب و قواعد دارد؛ به عبارتی به کارگیری یک آموزه ای اخلاقی در صورتی دارای نقش مثبت است که همراه با رعایت دیگر مؤلفه های مربوطه باشد که در موارد بعدی بیشتر تبیین خواهد شد و صرف وجود یک آموزه ای اخلاقی، همه چیز نیست.

۵. مدیریت هیجانات

یکی از مباحث مهم و اثرگذار در زندگی انسان ها، موضوع انفعال ها و هیجانات است. اغلب و بلکه همه رفتارهای انسان بایک یاچند هیجان درهم تنیده است. هیجانات یک موضوع پیچیده و اثرگذار است؛ ولی درحوزه ای مطالعات اسلامی مغفول است. این هیجانات است که جهت رفتارها را عوض می کند. بعنوان مثال هر نوع رفتار ما بادیگران، همرا باخنده، لبخند، ناراحتی، نفرت، کینه، غم، افسردگی، شادی، خوشبختی، عبوس، حسود، خشن، کبر و نخوت و مانند آن است. مخاطب، پیام اصلی را در نوع و کیفیت رفتار و در سایه ای همان هیجان حاکم در می یابد. نوع قضاوت مخاطب از مجموع رفتار و نوع هیجان باهم، شکل می گیرد. اخلاق تربیت یافته به ما می گوید تا هیجانات خود را شناخته و عالمانه مدیریت نماییم و بعد کارکرد آنها را در تعاملات اجتماعی درک نموده و در قدم بعدی ازاین ابزار خدادای درحوزه اخلاق و تربیت استفاده نماییم. مخاطبان به صرف یک رفتار بسنده نمی کنند؛ بلکه آنرا با تمامی نشانگرهای هیجانی و دیگر علایم، باهم در نظر می گیرند. هیجانات درواقع نقش اصلی را به خود اختصاص می دهند. صرف سخن و رفتار، یک پدیده ای خنثی است. بعنوان نمونه خنده ای بیجا چه گرفتاری ها و چالش های که ایجاد نمی کند. آموزه های اسلامی دراین زمینه بسیار غنی است که به کیفیت ها، شرایط، علایم و هیجانات موثر بر رفتار توجه ویژه داشته است.

۶. مدیریت نشانگرهای غیر کلامی

نشانگرهای غیر کلامی، بخشی مهمی از تعاملات انسانی را شکل می دهند. موضوع اخلاق از نظر گستره، شامل ملکات، صفات و رفتار انسان از حیث اتصاف آنها به حسن و قبح است. اما حوزه ای بروز و نمود ملکات و صفات نیز عمل انسان است. منظور از تربیت اخلاقی نیز این است که رفتارهای اخلاقی را همراه با نشانگرهای غیر کلامی و مصادیق

و مواردی ریز و ریزتر آن تفکیک کرده و تعریف نماییم. بعنوان مثال، سخاوت یک صفت و رفتار اخلاقی است. اما همین عمل درهم تنیده با آرایه‌ها و علایم و نشانگرهایی است که جهت اصلی را مشخص می‌کنند؛ به این معنا که موقع دادن یک تحفه و یا یک چیزی نفیسی و یا مقداری پول، لحن و آواگری چگونه است؟ نحوه‌ای تحویل و گرفتن و پرداخت در حال اخم است و یا همراه بالبخند مؤدبانه و یا پوزخند؟ نحوه‌ای نگاه تان، خیره و متکبرانه است و یا متواضعانه؟ طلبکارانه و تحقیر آمیز است و یا با احترام و همچنین ده‌ها علایم دیگر. می‌بینیم که نفس عمل خوب بوده (حسن فعلی) ولی انگیزه سلبی بوده و یا اینکه طرف می‌خواسته نیتش خوب باشد ولی مهارت این رفتار را یاد نگرفته است. اکنون بهتر درمی‌یابیم که چرا برخی از رفتارهای بظاهر مثبت، درنهایت منجر به نتایج سلبی می‌گردند و طرف به جای دل‌خوشی، دل‌خور می‌شود. بعنوان مثال صدقه دادن، یک رفتار اخلاقی است ولی چرا آلوده با علایم و نشانگرهای سلبی می‌گردد.

اخلاق حرفه‌ای و کاربردی که به صورت تخصصی به موضوع اخلاق می‌پردازد، در موضوعاتی است که اجمالاً بعنوان یک شغل و حرفه تعریف شده است و به علاوه منشور اخلاقی نیز در آن مقوله از قبیل: انجمن، اتحادیه، فدراسیون، حوزه پزشکی، و مانند آن نیز توصیه و ارائه شده است. اما اخلاق تربیت یافته به این نکته تاکید دارد که اثر یک رفتار اخلاقی برای مخاطب، با توجه به تمامی نشانگرهایی غیرکلامی، تفسیر و توصیف می‌شود. در باب اخلاق کاربردی و حرفه‌ای که به صورت تخصصی و مصداقی به اخلاق می‌پردازد؛ نیز در هر شغل و حرفه، رفتار مورد نظر اینگونه است؛ لذا می‌بینیم که در هر شغل و حرفه نیز دل‌خوری و ناراحتی کم نیست. از این رو در ادامه به برخی از موارد و نشانگرهای غیرکلامی با استناد به منابع اسلامی پرداخته می‌شود که اغلب نادیده گرفته می‌شوند؛ درحالی‌که اثرات مهمی در حوزه‌ای اخلاق و تعاملات اخلاقی دارند و هر رفتاری در هر بخشی، با این گونه از علایم در هم تنیده است.

الف. سکوت

به صورت طبیعی، بخشی قابل توجه از زندگی آدمیان را سکوت به خود اختصاص داده است. ولی بخشی دیگر به انتخاب خود افراد بستگی دارد. امروزه بخشی از آسیب‌ها در باب اخلاق (صفات، ملکات و رفتار)، استفاده‌ای نا به جا از عنصر سکوت است. برخی تصور می‌کنند که سکوت یک نشانگر غیرکلامی خشن است. درحالی‌که ماهیت سکوت یک پدیده‌ای چند ضلعی و دارای کاربردهای سلبی و مثبت متعددی است. دانشمندان حوزه‌ای ارتباطات معتقداند که عنصر سکوت دارای اقسام و انواع مختلف است که با اهداف مختلفی انتخاب می‌شوند و

هریک معانی خاصی نیز دارند که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود. ۱. سکوت در زمانی که به شدت خشمگین است؛ ۲. سکوت هنگام شنیدن سخنان و یا ماجرای مفید؛ ۳. سکوت ناشی از گوش دادن به کلام کسی؛ ۴. سکوت درجایی که حرف برای گفتن ندارد؛ ۵. سکوت به هنگامی که به موضوعات مطروحه‌ای گوینده فکر می‌کند؛ ۶. سکوتی که به هنگام فهمیدن و درک سخنان گوینده حاکم می‌شود. ۷. سکوت محرمانه، متفکرانه و عاقلانه؛ ۸. سکوت تعصب‌آمیز؛ ۹. سکوت دوستانی که به سادگی دست‌هایی هم دیگر را می‌فشارند و اصلاً نیاز به گفتن چیزی ندارند؛ ۱۰. سکوت غم انگیز؛ ۱۱. سکوت برای مطالبه چیزی (گیل مایرزو میشل مایرز، ۱۳۸۳، ص ۲۷۴). در موقع سکوت، همه‌ای علایم دیگر از قبیل، ایستادن و نوع ایستادن، نشستن و نوع نشستن، نحوه‌ای نگاه، نحوه تکان دادن دست، سرخاراندن، با تسبیح و یا بینی و سر و صورت بازی کردن و یا گرفتن دست‌ها را روی همدیگر و یاسینه، نوع راه رفتن و یا میخکوب شدن و دیگر علایم روحی و روانی و بدنی، به جای کلمات، با مخاطب با صدای بلند حرف می‌زنند. و مخاطب این پیام را به‌طور غریزی و اتوماتیک دریافت می‌کند. از منظر منابع اسلامی، سکوت عالمانه می‌تواند علامت محبت، منبع دوستی، نشانه‌ای خوبی، ابزار انتقال پیام، تایید، زمینه‌ای تفکر، احترام، خود اصلاح‌گری، تشویق و صدها موضوع مثبت دیگر باشد.

امام رضا (ع) فرمود: **إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنْ الصَّمْتُ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ** (کافی، ج ۲، ص ۱۱۳). خاموشی دری از درهای حکمت و منبع دوستی و نشانه‌ای هر خوبی است. علی (ع) فرمود: **وَفِي الصَّمْتِ السَّلَامَةُ مِنَ النَّدَامَةِ** (مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۸). خاموشی سبب پیش‌گیری از ندامت است. امام صادق (ع) فرمود: **الصَّمْتُ شِعَارُ الْمُحَقِّقِينَ بِحَقَائِقِ مَا سَبَقَ وَ جَفَّ الْقَلَمُ بِهِ وَ هُوَ مِفْتَاحُ كُلِّ رَاحَةٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ فِيهِ رَضِيَ اللَّهُ وَ تَخَفِيفُ الْحِسَابِ وَ الصَّوْنُ مِنَ الْخَطَايَا وَ الزَّلَّلِ وَ قَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ سِتْرًا عَلَى الْجَاهِلِ وَ زِينًا لِلْعَالَمِ وَ مَعَهُ عَزْلُ الْهَوَى وَ رِيَاضَةُ النَّفْسِ وَ حِلَاوَةُ الْعِبَادَةِ وَ زَوَالُ قَسْوَةِ الْقَلْبِ وَ الْعَفَافُ وَ الْمُرُوَّةُ** (مصباح الشریعه، ص ۱۰۱). دلالت تربیتی حدیث این است که سکوت عالمانه، کلید موفقیت است. امام صادق (ع) در مورد دیگری فرمود: **الصَّمْتُ كَنْزٌ وَ أَفْرٌ وَ زَيْنُ الْحَلِيمِ وَ سِتْرُ الْجَاهِلِ** (بحار، ج ۶۸، ص ۲۹۶). سکوت گنج بزرگی است و زینتی افراد عاقل و پوششی برای جاهل است. امروزه همین یک نشانگر، سبب برخی از چالش‌های در حوزه تعاملات و اخلاق فردی و اجتماعی؛ یعنی سبب دل‌خوری‌ها، نگرانی‌ها، نفرت‌ها، سرکاز گذاشتن‌ها، توهین و تخریب و مانند آن شده است. اخلاق تربیت یافته؛ یعنی استفاده‌ای بجا از این عنصر در ارتباطات خانوادگی، سازمانی، تجاری، آموزشی و صدها مورد دیگر به پهنای زندگی انسان. برخی ارباب رجوع از اداره‌ای خاصی، ناراضی است؛ زیرا اصلاً پاسخ نداده و سکوت نا بجا کرده و یا قبل از گوش دادن ارادی (سکوت خردمندانه) به سخن مخاطب و مراجع، پاسخ غیر مطلوب و غیر مربوط داده است. چنانکه فرزند از والدین نفرت پیدا کرده؛ زیرا سکوت نا بجا کرده یا بسیار حرف زده، شاگرد از

استاد کینه به دل گرفته؛ زیرا بیشتر از اندازه نصیحت کرده؛ یعنی لازم بوده سکوت کند و به حرف‌های مخاطب گوش دهد و یا اینکه استماع استاد (گوش دادن عاقلانه) گزینشی بوده؛ به سخنانان برخی گوش داده و به دیگری گوش نداده؛ در نتیجه بدون درک مقصود مخاطب او را سرزنش کرده است. بخشی از گسست‌های نسلی، برخی از جدایی‌ها و طلاق کشتی‌ها به سبب این است که از عنصر سکوت استفاده ای خردمندانه نشده است. اگر کمی تحمل می‌کرد و سکوت را پیشه می‌کرد، خیلی راحت به نتیجه می‌رسید و منظور طرف را در حالت عادی و بدون هزینه درک می‌کرد دیگر نوبت به دادگاه نمی‌رسید تا برای دوطرف تعیین وقت برای گوش دادن منظور طرف می‌کرد و به آنها یاد دهد در میانه‌ای حرف دیگری سکوت کند و تا سخنان او را نفهمیده سخن نگوید. میان شنیدن غیرارادی (سماع) و گوش دادن ارادی (استماع) تفاوت بسیار است. سکوت فرصتی است که انسان را وادار به شنیدن ارادی و هدفمند می‌کند؛ تا با این سکوت و گوش دادن ارادی بتواند سخنان طرف را درک نموده و روی آن تفکر کند و سپس تفکیک و طبقه بندی نماید و نکات مثبت و منفی را از هم باز شناسد. منشاء بسیاری از آسیب‌های اخلاقی و رفتاری به عدم استفاده‌ای منطقی از عنصر سکوت بر می‌گردد.

مهمتر از همه تشخیص مرز و محدوده‌ای میان سکوت و سخن است. همچنین کیفیت و کمیت سکوت همانند سخن گفتن، بسیار مهم است. وجود دیگر علایم بدنی و هیجانی نیز مهمتر است؛ به این معنا که برخی از سکوت‌ها، خود نوعی تخریب و توهین است. بعنوان مثال طرف سکوت کرده و به سخن ارباب رجوع از قبیل: همراه بیمار، یامراجع در دادگاه و مانند آن، گوش می‌دهد ولی در عین حال پوزخند و نگاه تحقیر آمیز هم دارد و یا در حالی که به حرف او گوش می‌دهد ولی نوع سکوتش از باب بی‌اعتنایی و جز آن باشد. تربیت اخلاقی به ما می‌گوید که اخلاق اسلامی و انسانی باید خودش را در این موارد نشان دهد و گرنه در حالت عادی و عاری از مسئله و مشکل، همه شبیه به گل و بلبل‌اند. در نهایت اینکه عنصر سکوت بعنوان یک فضیلت اخلاقی و بعنوان یک نشانگر اثرگذار بر کمیت و کیفیت تعاملات انسانی، اگر همراه با دیگر علایم و فضایل اسلامی و انسانی باشد، دارای آثار مضاعف و ماندگارتری خواهد بود. بعنوان نمونه سکوت اگر همراه با تواضع و بردباری و دیگر فضایل انسانی و اخلاقی باشد باحالتی که سکوت همراه با کبر و غرور و زورگویی و مانند آن باشد، دارای نتایج و پیامدهایی مختلف است. چنانکه بخشی از نابه سامانی‌ها درحوزه آموزش نیز به عدم رعایت مرز سخن و سکوت بر می‌گردد.

برخی از معلمان تمام هنرشان پرکردن مغز شاگردان بعنوان یک نوار ویدئویی و ظرف در بسته است و همه تلاش شان ساکت کردن اجباری مخاطب است، نتیجه‌ای تعلیمش فقط رد کردن نوبت و ساعت درسی است. سکوت باید رضایت‌مندانه و آگاهانه باشد. یکی از مهارت‌هایی ضروری برای همه افراد یادگرفتن هنر سکوت است؛ زیرا سکوت بستری برای تولید و زمینه‌ای برای به کارگیری قوای ذهنی و تفکر است (مجبی، ۱۳۹۲، ص ۷۸). شهید مطهری می

گوید ما انتظار بیش از حد از زبان و گوش داریم؛ انتظار داریم که تنها بازبان و گوش همه کار هارا انجام دهیم و می‌بینیم که انجام نمی‌شود و در نتیجه ناراحت گردیده و فغان سر می‌دهیم: گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله‌ای من - آنچه البته به جای نرسد فریاد است (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۹۳).

ب. تن صدا

یکی از مؤلفه‌های تاثیرگذار در حوزه اخلاق و تربیت، تن صدا، یا پیرازبان و زبان آوایی است. سخن و کلام آن چیزی است که از چند واژه و کلمات تشکیل گردیده که با محتوای خاص و در قالب یک جمله گفته می‌شود. ولی پیرا زبان (تن صدا) آن چیزی است که پس از کنار گذاشتن محتوای کلامی در گفتار باقی می‌ماند. نحوه‌ای بیان است که معنای سخن مارا تغییر می‌دهد. نشانه‌های صوتی کل پیام را تحت تاثیر قرار می‌دهند و برخی از مهمترین مصادیق زبان آوایی موارد زیر است: آهنگ، کیفیت صدا؛ (یعنی یک‌نواختی، بلندی صدا، زیر و بم داشتن صدا)، سرعت حرف زدن، قدرت، لهجه، تکیه و تأکید روی برخی از کلمات خاص، نجواها، نفس نفس زدن‌ها، مکث، طنین صدا، شدت صدا و... (دیویدگیل و بریجت ادمز، ۱۳۸۴، ص ۷۸). چنانکه در باب نگارش، نویسندگان با علایم مانند: علامت پرسش، ویرگول، نقطه ویرگول، علامت تعجب و دیگر علایم منظور و مقصود خود را به خواننده ای اثر تفهیم می‌کند؛ از این رو امروزه در حوزه‌ای تحقیق و پژوهش، حرفه‌ای ویرایش و ویراستاری اعم از محتوی و ظاهر یک متن، مهم است؛ زیرا این علایم است که معنای یک گزاره و متن را تغییر می‌دهند و بار احساس و عواطف و معنا، روی دوش همین علایم است. گرچه واژه‌ها نیز هریک دارای معنای مختلف، مترادف و مانند آن است ولی نحوه‌ای چینش، تقدم و تاخر و نشانه دار کردن و یا استفاده‌ای خنثی از آن، تابع علایم است.

از این رو در عرصه‌ای هنر و سینما بهترین استفاده از مؤلفه‌ای سکوت و آواگری می‌کنند. بعنوان مثال برخی فیلم‌ها صامت‌اند؛ یعنی با زبان بدن و علایم آوایی همراه اند. مثل چارلی چاپلین که با نوع لباسش، ادا و اطوار، نحوه نگاه، نحوه حرکاتش و دیگر علایم بدنی و سکوتش مفاهیم بلند و مورد نظر خود را به مخاطب تلقین می‌کند. در هر فیلم و سریالی هدف‌مندانه از علایم غیرکلامی از قبیل سکوت و علایم آوایی استفاده می‌شود، بخشی قابل توجه از اهداف فیلم از مسیر سکوت‌ها و تن صدا در هر بخشی، منتقل می‌شود و به عمد برخی مسائل، بعضی از جملات و پیام‌ها، فاکتور گرفته می‌شود و روی برخی دیگر صدا بلند و یا آهسته می‌گردد. چرایی این شیوه، به کارگیری احساسات و شعور گیرنده و بیننده است؛ تا او را با خود به دنیایی سازنده‌گان ببرند و او هزاران کیلومتر دورتر، با سازندگان همراه شود و خودش به صورت داوطلبانه هزینه کند. نقش رسانه‌های دیداری و شنیداری در این نکته است که خیلی ماهرانه از علایم استفاده می‌کنند و برخی اهداف را در قالب جاخالی و سه نقطه و علایم آوایی به

مخاطب منقل می‌کنند و مخاطب نیز از این روش احساسی خوبی پیدا می‌کند؛ زیرا به این نکته پی می‌برد که به شعور او احترام گذاشته شده است. اما در عرف ماها، عادت بر این شده که تا می‌تواند با حرف زیاد گفتن، آنهم به صورت یک طرفه حرف زدن و یک سویه سخن گفتن، طرف را به اجبار به سکوت وادار نماید. می‌بینیم که این رویه فعلاً پاسخ‌گو نیست. در عرصه‌ای هنرو سینما از متخصصان خوبی در این زمینه استفاده می‌شود. پیرا زبان، ابزاری عمومی برای همه انسان‌هاست. عواطف و هیجانات مثبت و منفی از همین کانال قابل انتقال است. بعنوان مثال افراد عواطف و هیجان‌های از قبیل: خشم، ملالت، خوش‌حالی، جنسیت، سن، موقعیت اجتماعی، فرهنگ و صدها موضوع دیگر را از طریق تکیه و آهنگ کلام و دیگر مصادیق پیش گفته، بیان می‌کنند؛ از منظر منابع اسلامی این مؤلفه اثر مثبت و منفی ماندگاری در حوزه اخلاق و تربیت دارد و در نهایت سبب جاذبه و دافعه می‌گردد. تاثیر لحن کلام تاجایی است که بیش از ۷۰٪ از رنجش افراد از مسیر لحن کلام است. قرآن می‌فرماید: **وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ** (لقمان: ۱۹). در راه رفتن خویش معتدل باش و صوت و لحن خود را ملایم نما که نامطبوع‌ترین آوازه‌ها آواز خران است.

رسول خدا(ص) فرمود: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّوْتَ الْخَفِيزَ وَ يُبْغِضُ الصَّوْتَ الرَّفِيعَ** (بحار، ج ۲، ص ۶۳). خداوند سخن با لحن معتدل و پایین را دوست دارد و لحن و صوت خشن را مبغوض می‌دارد. لحن بار مثبت و منفی بی‌شماری در حوزه اخلاق و تربیت دارد؛ چنانکه می‌تواند نشانه‌ای هوس‌انگیزی، بیمار دلی، مسائل جنسی و مانند آن نیز باشد؛ از این رو قرآن به زنان پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: **يَنْسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا** (احزاب: ۳۲). به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند تا بیمار دلان در شما طمع نکنند؛ بلکه به گونه‌ای متعارف سخن بگویند. قرآن در جای دیگر فرمود: **وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَكُمُ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمِهِمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ** (محمد: ۳۰). آیه مبارکه در ادامه آیه‌ای قبلی راجع به نحوه‌ای شناخت منویات و خصلت روحی - روانی منافقان است که آنچه در زبان می‌گویند، غیر از آن چیزی است که در دل پنهان می‌دارند. قرآن می‌فرماید منافقان از طریق سیما و لحن و نحوه‌ای سخن گفتن نیز قابل باز شناسایی‌اند. راغب در مفردات می‌گوید: لحن عبارت از این است که سخن را از قواعد و سنن خود منحرف سازند، یا اعراب خلاقی به آن دهند، و یا از صورت صراحت به کنایه و اشاره بکشانند، و منظور در آیه مورد بحث همان معنی سوم است یعنی این منافقان بیمار دل را از کنایه‌ها و نیش‌ها و تعبیرات موزیانه و منافقانه‌شان می‌توان شناخت. (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص: ۴۷۹). در منابع لغوی و تفسیری، معنای لحن توسعه داده شده است و شامل اشاره و کنایه (صناعات ادبی) و هر چیزی است که معنای جمله را تحت تاثیر قرار داده و جهت را تغییر دهند. بنابراین اخلاق تربیت

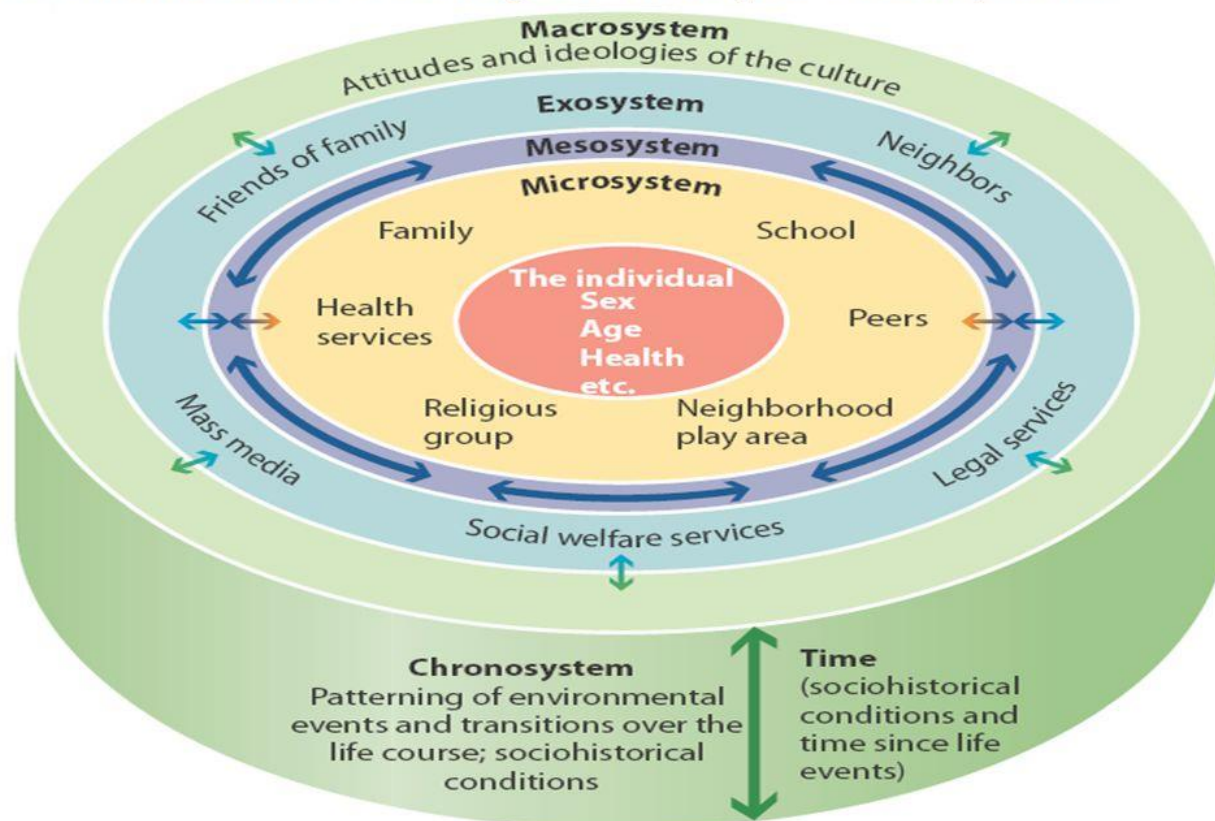
یافته به ما می گوید که همه نشانگرها از قبیل تُن صدا (نحوه ای سخن گفتن) و مانند آن بر نحوه ای تعامل و گفتگو و در نتیجه بر اخلاق و تربیت اثرگذار است. محتوی و سخن خوب، همه چیز نیست.

اغلب چالش های موجود در حوزه آموزش، خانواده، اجتماع و جزآن، به لحن گفتار بر می گردد. اغلب چالش های کودکان، نوجوانان و جوانان به نحوه ای سخن گفتن والدین، اطرافیان، معلمان و دیگران با آنها و همچنین به نحوه ای سخن گفتن خود آنها باهمدیگر است. یکی از نکات مغفول در خانواده، مدرسه، دانشگاه و مراکز آموزشی و تربیت، عدم توجه به تربیت گفتاری است؛ یعنی درست حرف گفتن و سخن گفتن نیاز به آموزش و توجه دارد. به ویژه اگر سخن در مقام نقد و آسیب شناسی باشد که طبق معمول به نزاع و درگیری منجر می شود. بخشی از این مشکل به لحن جمله و کلام بر می گردد، بخشی دیگر به نکات کلیدی دیگر در حوزه تعاملات اجتماعی ربط دارد. بعنوان مثال در حالت عصبانیت و خستگی، نصیحت کردن بار سلبی دارد. و معنای جمله را تغییر می دهد. همچنین در حالت گرسنگی، تشنگی و مانند آن، سکوت اثری بیشتری دارد. یا در حضور دیگران کسی را ملامت کردن پیامد سلبی مضاعف دارد، به ویژه اگر مخاطب از قشر نوجوانان و جوانان باشد. بخصوص اگر همراه با دیگر علائم مانند نگاه خیره، پیشانی در هم کشیده، لحن خشن و مانند آن باشد. بنابراین لحن کلام و تن صدا، از دیدگاه علم ارتباطات، روان شناسی اجتماعی و دیگر علوم کاربردی و منابع اسلامی، نقش بی بدیلی در حوزه اخلاق و تربیت دارد.

ج. بافت یازمینه

دیگر از علائم و نشانگرهای اثرگذار بر تربیت اخلاقی، بافت یا زمینه است. منظور از بافت یازمینه، محیط یا چارچوبی است که ارتباط در آن واقع می شود و شامل عنصر زمان و مکان است. نقش زمان و مکان روی همه ابعاد و ساحت های وجودی انسان، اعم از ساحت معنوی، اخلاقی، جسمی و دیگر ابعاد تاثیرگذار است. یوری برون فن (بر ۱۹۸۶-۱۹۹۷) دانشمند روان شناس در رویکرد هیجانی- اجتماعی، فرایند رشد و تحول را با تمرکز بر زمینه های اجتماعی و محیط انسانی و اثرات زمان تحلیل و بررسی کرده است (دایان ای. پاپالیا و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۲ و ۶۵). در شکل ذیل دیدگاه برون فن برنر، در قالب پنج سامانه، توصیف شده است که هر سامانه با مکانیزم خاصی روی رشد و تحول انسان اثرگذارند (مجبی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۳).

Bronfenbrenner's Ecological Theory of Development



از دیدگاه منابع اسلامی نیز همه مؤلفه‌های موجود در دیدگاه برون فن برنر روی تربیت انسان تاثیرگذار است و بلکه از منظر اسلام عوامل و پدیده‌های فراتر از این نظریه نیز در همه ابعاد و ساحات وجودی انسان، از جمله ساحت اخلاقی دارای اثرات مثبت و منفی هستند. عنصر محیط اعم از محیط طبیعی و انسانی روی تربیت اخلاقی و دیگر ساحات تربیت اثر غیرقابل انکاری دارد. دراینکه در باب محیط انسانی، تقدم رتبی در حوزه تربیت اخلاقی از فرد است و یا جامعه، برخی از محققان حداقل سه دیدگاه را بیان نموده اند: ۱. آغاز تربیت اخلاقی از فرد. ۲. آغاز تربیت از جامعه. ۳. رویکرد ترکیبی؛ حاصل جمع تربیت فرد و جامعه (یالجن، ۱۳۹۵، ص ۲۵۵-۲۵۶). به نظر می‌رسد رویکرد ترکیبی؛ شامل فرد و اجتماع، دیدگاه نزدیک به واقع باشد. در ادامه به نقش هریک از دو مؤلفه‌ای مکان و زمان بر تربیت به معنای عام و تربیت اخلاقی به معنای خاص اشاره‌ای کوتاهی می‌شود.

(۱) محیط

یک) محیط انسانی

محیط انسانی؛ شامل موارد زیر است: پدر و مادر. معلمان و اساتید. مربیان و پرورشکاران. مدیران مدرسه. متربی و مراجع و دیگر علووامل انسانی مدرسه از قبیل: نگهبان، دوستان، همسالان. همسایگان، عوامل انسانی اداره، عوامل خدمات شهری از قبیل شهرداری، رانندگان خصوصی و عمومی، مغازه داران، رستوران‌ها، سوپرمارکت‌ها، پارک‌ها، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، بهزیستی، زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، پلیس راهنمایی و رانندگی، نیروی انتظامی، حاکمان؛ از قبیل نوع حکومت، اداره‌های وابسته، عوامل انسانی رسانه‌های دیداری، شنیداری و صوتی - تصویری. عوامل ورزشی از قبیل مدیران، مربیان و ورزشکاران در رشته‌های مختلف و به خصوص ستاره‌های فوتبال و مانند آن. اماکن مقدس؛ از قبیل مسئولان، کارگزاران، خادمان، واعظان و عوامل فرهنگی برنامه‌ریز و اجرای برنامه و موارد دیگر هریک به جای خود و طبق مقتضیات و شرایط روی تربیت و اخلاق تاثیرگذاراند.

علی (ع) فرمود: **وَمُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهُوَى مَنَسَاءٌ لِلْإِيْمَانِ** (ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۳۵۴). همنشینی با اهل هوی و هوس، فراموشخانه‌ای ایمان است. شهید مطهری در مقام تبیین نقش تخریبی و اثباتی محیط انسانی، می‌گوید هرچند محیط طبیعی و عمومی هم فاسد نباشد؛ ولی معاشرت و هم نشینی اثر شگفت‌انگیزی دارد؛ چنانچه ملاقات دست یا جامه ای الوده، آب زلال را هم فاسد می‌کند؛ گرچه مجرا و بستر آب پاک باشد. معاشران و هم سالان فاسد الاخلاق و تعلیم‌ها و تلقین‌های گمراه‌کننده‌ای آنها نیز روح را فاسد می‌کند (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲). در باب بررسی تاثیر عوامل انسانی اغلب به چند عنوان از قبیل والدین، اساتید و همسالان و جز آن که اثر مستقیم دارند اشاره می‌شود ولی از دیگر عوامل که برخی تاثیر مستقیم و بعضی اثرات غیرمستقیم و ماندگاری دارند، غفلت می‌شود. بعنوان نمونه به نقش خود متربی و مراجع بعنوان موضوع تربیت و اخلاق، اشاره نمی‌شود.

منابع اسلامی، نقش هریک از موارد فوق را بی‌بدیل و ماندگار می‌داند. بعنوان نمونه قرآن کریم در بیان نقش محیط سالم و فاسد می‌گوید: **وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ** (اعراف: ۵۸). با اذن پروردگار، در سرزمین پاکیزه گیاهی پاک می‌روید؛ در سرزمین فاسد، جز گیاه بی‌ارزش نمی‌روید؛ این گونه آیات را برای آنها که شکر گزارند، بیان می‌کنیم. آیه فوق در حقیقت اشاره به یک مساله مهمی دارد که در زندگی این جهان و جهان دیگر در همه جا تجلی می‌کند، و آن اینکه تنها فاعلیت فاعل برای به ثمر رسیدن یک موضوع، کافی نیست بلکه استعداد و قابلیت قابل نیز شرط است، از دانه‌های باران حیات بخش‌تر و لطیف‌تر تصور نمی‌شود، اما همین بارانی که در لطافت طبعش کلامی نیست در یک جا سبزه و گل می‌رویاند و در جای دیگر خس و خاشاک (تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۷). نکته ای مورد تذکر در این منبع تفسیری، بسیار مهم

است؛ چراکه اغلب اولیاء و مردم از مربیان، مدیران و آموزگاران، انتظار تلاش‌های مضاعف و خارق العاده‌ای دارند؛ هریک توپ را به دروازه‌ای دیگری می‌اندازند؛ درحالی‌که طبق آیه مبارکه؛ هر پدیده‌ای به جای خود و به اندازه‌ای خود، سهمی در آبادانی و تربیت دارد. قرآن در جای دیگر فرمود: **ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ** (بقره: ۲). قرآن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است. چرا هدایت قرآن ویژه پرهیزکاران است؟ مسلمان قرآن برای هدایت همه جهانیان نازل شده، ولی چرا در آیه فوق هدایت قرآن مخصوص پرهیزکاران معرفی گردیده؟ علت آن این است که تا مرحله‌ای از تقوا در وجود انسان نباشد (مرحله تسلیم در مقابل حق و پذیرش آنچه هماهنگ با عقل و فطرت است) محال است انسان از هدایت کتاب‌های آسمانی و دعوت انبیاء بهره بگیرد.

به تعبیر دیگر: افراد فاقد ایمان دو گروهند: گروهی هستند که در جستجوی حقد و این مقدار از تقوا در دل آنها وجود دارد که هر جا حق را ببینند پذیرا می‌شوند. گروه دیگری افراد لجوج و متعصب و هوا پرستی هستند که نه تنها در جستجوی حق نیستند بلکه هر جا آن را بیابند برای خاموش کردنش تلاش بیشتر هم می‌کنند. مسلماً قرآن و هر کتاب آسمانی دیگر تنها به حال گروه اول مفید است و گروه دوم از هدایت آن بهره‌ای نخواهند گرفت. به تعبیری علاوه بر فاعلیت فاعل قابلیت قابل نیز شرط است، هم در هدایت تکوینی و هم در هدایت تشریعی. زمین شوره‌زار هرگز سنبل بر نیارد، اگر چه هزاران مرتبه باران بر آن ببارد، بلکه باید زمین آماده باشد تا از قطرات زنده کننده باران بهره گیرد. سرزمین وجود انسانی نیز تا از لجاجت و عناد و تعصب پاک نشود، بذر هدایت را نمی‌پذیرد، و لذا خداوند می‌فرماید: قرآن هادی و راهنمای متقیان است (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۶۸). بدین ترتیب در باب تربیت اخلاقی نیز دوطرفه و بلکه چند سویه است. متربی و مخاطب نیز سهمی مهمی در تربیت اخلاقی دارد؛ جهان بر اساس قانون و اصول اسباب و مسبب اداره می‌شود و تا مراجع خوش اراده نکند، زنجیره‌ای تلاش کامل نمی‌شود و مهمترین حلقه در این زنجیره، اراده و خواست خود مخاطب با همکاری اطرافیان است. نقش اثباتی و سلبی دیگر موارد پیش گفته نیز در منابع تربیتی و اخلاقی آمده است. بدین ترتیب یکی از نقش‌های تربیت اخلاقی مدیریت و تربیت موارد فوق است؛ یعنی تغییر در باب اخلاق، معلول تغییر در یک یا چند از موارد فوق است.

(دو) محیط طبیعی

امروزه نقش مخرب و مثبت عوامل محیط طبیعی کمتر از عوامل محیط انسانی نیست. در باب محیط طبیعی نیز مصادیق متعددی وجود دارد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: نوع معماری؛ امروزه مهندسی و معماری جاده ها، خیابان‌ها، ادارات، آموزشگاه‌ها، زندان‌ها، مراکز نگهداری اطفال و سالمندان، کوچه و خانه‌ها، محیط زندگی و رفت و آمد، محل استراحت، حمام، مستراح، و مانند آن با اهداف مختلفی فرهنگی و جزآن، انجام می‌گیرد. بعنوان

مثال نوع معماری داخل منزل روی نگرش، بینش و ارزش‌های اخلاقی تاثیرگذار است. خانه‌های با آشپزخانه باز (اپن) و نوع اطاق و پنجره، نوع پرده‌های کلفت و نازک، نوع و اندازه‌ای پله‌ها، اسانسور، دکوراسیون منزل، اشراف داشتن و نداشتن پنجره‌ها روی خانه‌های دیگران، داشتن و نداشتن دوربین‌های در درب منزل و داخل منزل، معماری مدرسه، معماری ورزشگاه‌ها، استخرها، سینما، پارک‌ها، تفکیک جنسیتی در مکان‌های از قبیل؛ مراکز آموزشی، خرید، ورزش و مانند آن، تابلوهای هنری و تبلیغاتی، ایستگاه‌های مانند مترو، اتوبوس، ترمینال‌ها، مسافر خانه‌ها، هتل‌ها، مهمان‌خانه‌ها، سالن‌های انتظار، سالن‌های عروسی، آرایشگاه‌ها، فروشگاه‌ها، پاساژها و صدها مورد دیگر که هریک در جای خود و طبق ساز و کارهایی دارای جنبه‌ای مثبت بوده و یا دارای اثرات تخریبی هستند. آموزه‌های اسلامی در این موارد گاه به بیان شاخص‌های کلی پرداخته و زمانی به بیان راهکارها، روش‌ها و اصول مربوطه و موارد جزئی‌تر نیز اشاره کرده است.

قرآن فرمود: *وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ* (انعام: ۱۵۱). و نزدیک کارهای زشت و مظاهر قبیح نروید، چه آشکار باشد چه پنهان. دوری از نمادهای سلبی در بخش محیط طبیعی یکی از شاخص‌های مهم در باب تربیت اخلاقی است. تفسیرنور در بیان پیام این فقره از آیه‌ای کریمه می‌گوید: آیه هم به اصلاح جامعه از فاسد اشاره دارد و هم به اصلاح روح از رذایل (تفسیرنور، ج ۲، ص ۵۸۲). به عبارتی ممکن است گاه محیط بیرونی را اصلاح نماییم ولی محیط درونی و روح و روان کسی آلوده باشد. هر محیطی اعم از بیرونی و درونی ساز و کار و مکانیزم خاص خود را برای پاکی و اصلاح لازم دارد. قرآن می‌فرماید: *وَلَوْ طَآءَتْهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجِيَّةً مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبْثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوَاءً فَاسِقِينَ* (انبیاء: ۷۴). لوط را حکومت و علم دادیم، از شهری که اعمال زشت انجام می‌دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و فاسقی بودند. بدین‌تریب گاه به دلیل اهداف متعالی، ضرورت دارد که از مکان فاسد و محیط آلوده فرار کرد و به جای بهتری مهاجرت نمود.

انتخاب دوستان خوب، محل مناسب، استاد فرهیخته، مدرسه و دانشگاه و مانند آن به هدف تربیت اخلاقی، از راهکاری اثرگذار در این بخش است. محیط طبیعی روی همه ابعاد زندگی انسان‌ها اثرگذار است. بعنوان نمونه قوم بنی اسرائیل با اینکه سال‌ها در مکتب تربیتی حضرت موسی (ع) پرورش یافته و معجزات ایشان را مشاهده کرده بودند؛ اما همینکه در مسیر خود به سوی شام و سرزمین‌های مقدس با گروهی برخوردند که باخضوع و تواضع عجیبی در اطراف بت‌های دست‌سازشان گرد آمده بودند؛ چنان تحت‌تاثیر محیط قرار گرفتند که به حضرت موسی گفتند: ای موسی برای ماهم چنین بت و معبودی قرار ده؛ موسی به آنان فرمود به تحقیق که شما گروهی نادان هستید: *وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ* (اعراف: ۱۳۸). این موضوع نشان می‌دهد که محیط‌های ناسالم تا چه حد می‌تواند بر مسائل اخلاقی و عقیدتی تاثیر بگذارند؛ به ویژه در شرایطی که گروهی نسبت به یک موضوع سلبی و انحرافی،

دارای سابقه‌ای قبلی نیز باشند که مشاهده‌ای یک صحنه، جرقه‌ای می‌شود برای فعال کردن زمینه‌های قبلی (مکرم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۵۳). بنابراین صرف وجود محیط، همه چیز نیست بلکه ساختار ظاهری، آرایه‌ها، نقاشی‌ها، رنگ و لعاب‌ها، نوع وسایل، نحوه‌ای چینش و مانند آن اثر یک محیط را بیشتر می‌سازد.

(۲) زمان

امروزه برخی از نابه سامانی‌های تربیتی و اجتماعی به دلیل عدم توجه به عنصر زمان بعنوان بخشی از زیر مجموعه بافت یا زمینه است. بخشی از اعتراضات مراجعان به دستگاه‌های اداری و خدماتی و همچنین مدارس و یا هر جای دیگری که برای مردم ساخته و پرداخته شده اند، این است که به موقع سرانجام وظیفه نمی‌آیند. اگر هم آمده باشند وقت زیاد را به تشریفات ظاهری اختصاص می‌دهند و در نتیجه وقت کثی کرده و به شخصیت و زمان دیگران احترام نمی‌گذارند. یا برخی دیگر مدام وعده داده‌ای سر ساعت داده ولی هدفش سرکار گذاشتن مراجع است. بعضی دیگر عادت کرده‌اند که ساعتی خاصی وعده داده ولی نیم ساعت و یک ساعت اصلاً برایش مهم نیست. برخی از چالش‌های زندگی خانوادگی نیز به همین نکته بر می‌گردد. زن و شوهر به این پدیده اهمیت نمی‌دهند. ارتباط مدیر و کارگزار اداره با مراجعان مشکل پیدا می‌کند؛ زیرا یک طرف به این نکته توجه نکرده است. رابطه ای دو دوست خراب می‌شود؛ چراکه یک طرف عادت به بدقولی پیدا کرده است. به خصوص اگر یک طرف مسلمان و طرف دیگر پیرو فرهنگ دیگر باشد؛ تخلف در وعده از ناحیه‌ای یک مسلمان چه پیامی خواهد داشت. جوامع و فرهنگ‌ها دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به زمان دارند.

در بعضی از فرهنگ‌ها و جوامع ارزش زیادی به عنصر زمان داده می‌شود و در برخی دیگر از فرهنگ‌ها خیلی اهمیت به آن داده نمی‌شود (ری ام برکو و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱). زمان از نظر نقش و کارکرد سه نوع است: زمان فنی، رسمی و غیر رسمی که اغلب چالش‌ها در مورد زمان غیر رسمی است که زمان اختیاری است و افراد معانی مختلفی برای آن دارند؛ نظیر کلمات: زود، به زودی، همین الان، قبل از ظهر، بعد از ظهر، چند دقیقه بعد و مانند آن. امروزه عادت شده که برای خوشحالی مراجع از تعبیر زیبایی «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» زیاد استفاده می‌شود. این عبارت که منشاء قرآنی و روایی دارد (صافات: ۱۰۲؛ قصص: ۲۷) سبب امیدواری بیشتری برای مراجع و مخاطب می‌شود ولی در صورت تخلف زیاد، این عبارت بار سلبی پیدا می‌کند و مخاطب خیال می‌کند پاسخ او منفی است. بهتر است از این عبارت‌های ارزشی در جایی که یقین به کاری داریم استفاده نماییم. بنابراین عنصر زمان یک وسیله و ابزار ارتباطی است؛ که افراد هم باخود و نیز بادیگران از این مجرا ارتباط برقرار می‌کنند.

پدیده‌ای زمان در نزول تدریجی قوانین الهی نقش دارد: لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ (رعد: ۳۸). هر زمانی نوشته‌ای دارد و برای هرکاری موعدهی مقرر است (تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۴۴). تکالیف شرعی نیز تابع عنصر زمان است. همچنین ماه‌های حرام دارای اثرات در باب دیه و مانند آن است. شهید مطهری در این زمینه نیز مطالب زیبایی دارد. وی می‌گوید

ارزش هر چیز برای انسان وابسته دو عنصر است؛ یکی مقدار اثری که در زندگی دارد. دیگری فراوانی و یا کمیابی آن چیز است؛ در نتیجه به هر اندازه که یک چیز مؤثرتر و کمیاب‌تر بوده باشد، قیمت و ارزشی بیشتری پیدا می‌کند. در نتیجه وقت و زمان پرارزش‌ترین سرمایه‌های انسان است (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۹۵). سرمایه‌ای وقت برخلاف سرمایه‌ای پول، هیچ گاه راکد نیست و همیشه در جریان است... تنها دانستن ارزش وقت نیز کافی نیست بلکه مهارت و استادی از نظر بهره‌برداری لازم است (همان، ۱۹۷).

افراد برای تلف کردن مال دیگری خود را ضامن می‌داند اما برای تلف کردن وقت آنها چنین حسی ندارند؛ در حالی که در خلف وعده و معطل کردن ارباب رجوع و تأخیر برنامه‌های اعلام شده‌ای مجالس و مانند آن توجه ندارند. برخی نه تنها ارزش برای وقت قائل نیستند بلکه قاتل وقت خود نیز هستند و آن را مزاحم می‌پندارند؛ لذا به سرگرمی‌ها و جزآن پناه می‌برند. مثل پناه بردن از شروقت به اعتیاد و لهو و لعب که در نتیجه از یک دوست واقعی و دشمن خیالی به به دشمن واقعی پناه می‌برند (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۹۵). بنابراین یکی از نقش‌های تربیت اخلاقی، مدیریت عنصر زمان است. از آنجا که ارزش هر چیزی تابع آثار و فواید آن است؛ اخلاق تربیت یافته نیز دارای لوازم و پیامدهای مثبت و متعددی است که سبب تحکیم پیوندهای اجتماعی، اعتمادسازی، و حاکمیت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی می‌گردد.

۷. حل مشکلات اخلاقی در مقولات خاص

از آنجا که زندگی امروزی پیچیده و دارای زوایا و ابعاد جدیدی شده است. تغییرات در حوزه‌ای کثرت نفوس و توسعه‌ای نظام زندگی انسان، تخصصی شدن تکالیف، وظایف، کارکردها و نقش‌های افراد سبب شده است تا در بخش اخلاق که بعنوان یک اصل حاکم بر قواعد زندگی انسان است؛ نیز تغییراتی ایجاد شود. به عبارتی حد و حدود یک رفتار از نظر معیارهای ارزشی و فرهنگی (هنجاری) تابع اصولی است که بر روند رفتار و لوازمات آن حاکم است؛ به همین دلیل امروزه اصطلاحات جدیدی در حوزه‌ای اخلاق از قبیل: اخلاق کارکردی و حرفه‌ای و مانند آن مشاهده می‌شود. بدین ترتیب قواعد و یا اصول اخلاقی به کیفیت، نحوه‌ای عمل، و چگونگی اقدامات مربوط است. در نتیجه امروزه با توجه به ورود مؤلفه‌های جدید و نوپدید، دایره‌ای اخلاق فراتر از ملکات، صفات و رفتار بوده و شامل اصول اخلاقی نیز می‌شود.

باتوجه به نکات قبلی، یکی دیگر از نقش‌های تربیت اخلاقی، تخصصی شدن حوزه‌ای اخلاق است. بعنوان نمونه اخلاق کاربردی و حرفه‌ای دو نمونه از این موارد است. در باب تخصصی شدن اخلاق، مانیا به اصول اخلاقی داریم که با عبارت «بایدی» و تجویزی ارائه می‌گردد. بعنوان مثال می‌گوییم: اخلاق رسانه‌ای باید اینگونه باشد. به

بیان دیگر اقدامات ما در مصادیق اخلاق حرفه‌ای و کاربردی نمی‌تواند به نحو دلخواه و مطلق باشد؛ بلکه باید واجد شرایط و کیفیت خاصی باشد؛ در این صورت به کیفیت اقدام و شرایط، اصل گویند. تربیت اخلاقی به ما می‌گوید که برای به سامان شدن و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی، ابتدا همه موضوعات و رفتارهای انسانی از هم تفکیک و طبقه بندی شوند، سپس اصول و فضیلت‌های اخلاقی حاکم و مرتبط با آن اعم از اخلاق فردی و اجتماعی، توصیف و تبیین گردد. در ذیل به توصیف دو مقوله از اخلاق تخصصی پرداخته می‌شود.

یک. اخلاق کاربردی

اخلاق کاربردی رشته جدیدی در حوزه مطالعات اخلاقی است که در صدد راه حل و پاسخ‌گویی به مسایل نوپدید در زندگی مدرن است. به عبارتی اخلاق کاربردی فن مهارت افزایی و کاربرد معیارهای کلان و مطلق اخلاقی و تطبیق نظایات اخلاقی بر موارد و مصادی ویژه است (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۴ و ۲۳). در این صورت اخلاق کاربردی، در واقع تخصصی شدن اخلاق و استفاده از قواعد و اصول آن در موارد خاص و مسائل جدید است. زیر مجموعه اخلاق کاربردی گسترده و شامل مسائل موجود و نوپیدایی است که زندگی انسان امروزی را تحت تاثیر قرار داده است. برخی از موضوعات بعنوان زیر مجموعه‌ای اخلاق کاربردی موارد ذیل است.

۱. موضوعات فرهنگی؛ شامل موارد زیر: اخلاق آموزش و پرورش، اخلاق معاشرت، اخلاق دین‌داری، اخلاق جنسی، اخلاق فمینیستی، اخلاق فن‌آوری اطلاعات و کامپیوتر، اخلاق دانشجویی، اخلاق در حوزه و دانشگاه، اخلاق هنری، اخلاق رسانه‌ای، اخلاق ورزشی، اخلاق گردشگری و مانند آن (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۷۵-۸۰)؛

۲. موضوعات اجتماعی و سیاسی؛ شامل اخلاق مدیران، اخلاق نمایندگی، اخلاق حزبی و سازمانی، اخلاق شهروندی، اخلاق قضاوت، اخلاق در روابط بین‌الملل و مانند آن (همان، ص ۸۰-۸۳)؛

۳. موضوعات اقتصادی؛ شامل اخلاق معیشت، اخلاق تجارت و بازرگانی، اخلاق بازار، اخلاق مهندسی، اخلاق مدیریت (همان، ص ۸۴-۸۵)؛

۴. موضوعات بهداشت و سلامت محیطی؛ شامل اخلاق پزشکی، اخلاق محیط زیست. بنابراین اخلاق کاربردی در باره مسائل محیط زیست، سقط جنین، قتل ترحمی، شبیه سازی، معضلات اخلاق مدیریت، شهروندی، مهاجرت، حقوق حیوانات، نژادپرستی، تبعیض جنسی، خشونت، جنگ و جز آن می‌پردازد. بدین‌تریب اخلاق کاربردی در پی یافتن قواعد خاص‌تر از قواعد عام اخلاقی است که در شرایط ویژه و موضوعات و موارد مشخص‌تر و جزئی‌تر کارایی داشته باشد (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۴۷).

دو. اخلاق حرفه‌ای.

مقوله‌ای بعدی در حوزه تخصصی‌شدن اخلاق، اخلاق حرفه‌ای است. کمیته حقوق بشر دوستانه بین‌الملل، آن را اینگونه تعریف کرده است: اخلاق حرفه‌ای مجموعه استانداردها و قواعدی است که بر نحوه رفتار تمام اعضای یک حرفه اعمال می‌شود (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۸۷). قابل یادآوری است که اخلاق کاربردی و حرفه‌ای با منشور اخلاقی موجود در هر حرفه فرق دارد. تفکیک واقعی نیز میان اخلاق کاربردی و حرفه‌ای مشکل است؛ از این رو برخی معتقد است که اخلاق حرفه‌ای بخشی از اخلاق کاربردی است ولی بعضی دیگر می‌گویند این دو اصطلاح مترادف نیستند (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۶-۲۷). بنابراین اخلاق حرفه‌ای رشته کلی است که به شاخه‌های مانند: اخلاق کار، اخلاق پزشکی، اخلاق زیست، اخلاق حقوق و اخلاق محیط‌زیست تکمیل می‌شود (همان، ص ۸۷).

۸. ضامن اجرای قوانین و مقررات

بخشی از چالش‌های زندگی اجتماعی، عدم اجرای درست قوانین و مقررات اجتماعی است؛ به گونه‌ای که برخی به طور بخشی به مواردی که با منافع آنان همخوانی دارند، تن می‌دهند ولی از قوانین فی نفسه اطاعت نمی‌کنند. از پیامدهای اخلاقی تربیت‌یافته، رعایت قوانین و مقررات و اجرای آن در هر حالتی است (مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۴۶). قرآن در این زمینه می‌فرماید: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف: ۹۶). اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشاییم ولی آنها تکذیب کردند و ما هم آنان را به کیفر اعمال‌شان مجازات کردیم. منظور از تقوی عملیاتی کردن ارزش‌های اصیل انسانی و دینی است و نه یک مفهوم انتزاعی و دست‌نیافتنی. اخلاق چراغ راهنمایی انسان است. علی (ع) فرمود: بر فرضی که ما در پی بهشت و جهنم و ثواب و عقابی هم نباشیم، مکارم اخلاقی چراغ راهنما و وسیله‌ای هدایت انسان برای موفقیت است: لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نَخْشَىٰ نَارًا وَلَا ثَوَابًا وَلَا عِقَابًا لَّكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۳).

۹. دست‌یابی به سعادت

دست‌یابی به سعادت دنیوی و اخروی از دیگر نقش‌های تربیت اخلاقی است. از منظر قرآن، سعادت یک خواسته‌ای ذاتی و مطلوب نهایی انسان است. سعادت به ارزش‌های پایدار و یا نسبتاً پایدار اشاره دارد. از آنجا که زندگی در این جهان با درد و رنج همراه است؛ سعادت‌مند کسی است که خوشی‌های آواز نظر کیفیت و کمیت بر رنج‌هایش فزونی یابد؛ یعنی ارزش‌هایش به لحاظ کیفی برتر و به لحاظ کمی بیشتر و بادوام‌تر باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸،

ج ۱، ص ۲۷-۲۸). بدین ترتیب، تربیت اخلاق دارای نقش‌های متعددی در زندگی دنیوی و اخروی انسان است، که در این مقاله به برخی از مهمترین آنها با نگاه به منابع اسلامی اشاره گردید.

جمع بندی

از مطالب پیش گفته در این پژوهش، نکاتی زیر به دست آمد؛ ۱. ازدیدگاه منابع اسلامی بعد از خداشناسی؛ اخلاق مهمترین موضوع است؛ ۲. فضیلت‌های دیگر از قبیل: عبادت، علم، صنعت، تجارت، تکنولوژی و مانند آن، در کنار فضیلت‌های اخلاقی همانند تواضع، عمل صالح، راستی و درستی، انصاف و عدالت و جزآن معنا می‌یابند؛ ۳. تغییرپذیری اخلاق و رفتار، یکی از مهمترین مبانی حوزه تربیت اخلاقی است؛ ۴. اخلاق و تربیت، از نظر پیشینه همزاد بشر است. ولی راجع به موضوع خاص این پژوهش، تحقیق جامع و منسجمی مشاهده نگردید؛ ۵. از آنجا که حوزه اخلاق و عرفان دارای درهم تنیدگی و هم پوشانی‌هایی در برخی از مقولات است؛ به نظر می‌رسد، تحقیقاتی با رویکرد تفکیک و مقایسه در این زمینه مفید باشد؛ ۶. اغلب منابع در باب اخلاق به توصیف و گاه تبیین مصادیق فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی پرداخته‌اند که بیشتر تکراری و کلی‌گویی است؛ ۷. اخلاق و تربیت، دارای مبانی، منابع، عوامل، موانع، اصول، روش‌ها، مراحل و دیگر مؤلفه‌های مربوطه است؛ ۸. مباحث اخلاقی بنابه برخی از دیدگاه‌ها به خصوص در باب فلسفه اخلاق در پنج محور مورد بررسی قرار گرفته است: یک. اخلاق تحلیلی یا فرا اخلاق؛ دو. اخلاق دستوری یا هنجاری؛ سه. اخلاق توصیفی. چهار. روان‌شناسی اخلاق؛ پنج. جامعه‌شناسی اخلاق؛ ۸. از آنجا که هر رفتاری به ویژه رفتارهای خاص اخلاقی؛ متشکل از عناصر و اجزای مختلف است. به عبارتی هدف و معنای اصلی نهفته در یک فضیلت اخلاقی، روی دوش عنصر مادی و مکمل‌های از قبیل علایم و نشانگرهای مختلف است و مخاطب معناراً در مجموعه‌ای رفتار و علایم، باهم درک می‌کند. بعنوان مثال نصیحت کردن یک رفتار اخلاقی است، چرا اغلب مخاطبان از نصیحت بی‌زار و بلکه فراری هستند؟ این مقاله در صدد تبیین همین نکته است. اغلب به حکم عادت می‌خواهیم همه چیز با سخن از یک طرف و گوش دادن از طرف دیگر، ختم بخیر شود و می‌بینیم که نشده است. مهمترین عنصر تاثیرگذار که تمام رفتار ذهنی و فیزیکی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، علایم و نشانگرهای غیرکلامی است. در این نوشته به چند عنوان از این نشانگرها از قبیل: سکوت، لحن و آواگری، بافت و یا زمینه پرداخته شد. هدف اصلی مقاله بررسی برخی از مهمترین نقش‌های تربیت اخلاقی در کمال فردی و اجتماعی انسان بارویکرد تخصصی و مصداق محور بود که با استناد به منابع اسلامی بررسی گردید. امروزه به دلیل پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و گسترش شهرنشینی و تخصصی شدن مشاغل و حرفه‌ها، ضروری است که هم به اصل مصادیق و هم به شرایط و علایم و نشان‌گرهای اثرگذار بر رفتار و گفتار به صورت یک کل منسجم و ساختار یافته توجه شود و نگاه بخشی و تک مؤلفه‌ای سبب ندامت و واگرایی گردیده است. توصیف و تبیین

نقش‌های تربیت اخلاقی با رویکرد تخصصی و علامت محور، سبب فاصله گرفتن از مسائل انتزاعی و نزدیک شدن به هدف‌هایی عینی و قابل سنجش و پاسخ‌گویی است.

منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی (۱۳۸۶). قم، بوستان کتاب.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد (۱۳۸۷ق). شرح نهج البلاغه. بیروت: دار احیاء التراث.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۴۱ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأملی. تهران: کتابچی.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. (۲ج)، قم: جامعه مدرسین.
۷. اسلامی، محمد تقی و همکاران (۱۳۸۶). اخلاق کاربردی؛ چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. داروال، استیون و همکاران (۱۳۹۰). نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم. ترجمه: مصطفی ملکیان، تهران: سهروردی.
۹. داودی، محمد (۱۳۸۸). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)؛ جلد سوم: تربیت اخلاقی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۱). اخلاق اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
۱۱. دیویدگیل و بریجت ادمز (۱۳۸۴). الفبای ارتباطات. ترجمه: رامین کریمیان و همکاران، تهران: وزارت فرهنگ.
۱۲. ری ام برکو و دیگران (۱۳۷۸). مدیریت ارتباطات فردی و عمومی. ترجمه: محمود اعرابی و ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۳. سادات، محمد علی (۱۳۷۶). اخلاق اسلامی. تهران: سمت.

۱۴. سلیگمن، مارتین و پیترسن، کریستوفر (۱۴۰۰). طبقه بندی توانمندیهای منش و فضیلت‌های انسانی. ترجمه: محسن زند و لیلا باقری. تهران: رشد.
۱۵. فعالی، محمدتقی (۱۳۹۷). مبانی سبک زندگی اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی آل یاسین.
۱۶. فتحعلی خانی، محمد (۱۳۹۲). آموزه‌های بنیادین علم اخلاق. ج ۱، قم: مرکز بین‌المللی نشر المصطفی.
۱۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. (۱۰ ج)، تهران: مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.
۱۸. کبیری، زینب (۱۳۹۱). مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن. قم: انتشارات زینا.
۱۹. گیل مایرز و میشل مایرز (۱۳۸۳). ارتباطات انسانی. ترجمه: حواصاوری، تهران: صدا و سیما.
۲۰. جعفرین محمد (۱۴۰۰ ق). مصباح الشریعه (۱ ج)، بیروت: اعلمی.
۲۱. حائری یزدی، محمدحسن (۱۳۸۷). آشنای با اخلاق اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۲. محبی، محمدلطیف (۱۳۹۲). نقش ارتباطات غیرکلامی در تربیت از دیدگاه اسلام. (تحقیق پایانی). قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۲۲. محبی، محمدلطیف (۱۴۰۳). نقش وراثت و عوامل محیطی در تربیت دینی کودک و نوجوان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی. قم: انتشارات المصطفی.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). اخلاق اسلامی. تدوین: حسن صادقی؛ زیر نظر محمود فتحعلی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). اخلاق در قرآن. ج ۲، تدوین: علی شیروانی، قم: دارالفکر.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). ده گفتار. تهران: صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). حکمت‌ها و اندرزها. جلد دوم، تهران: صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. ج ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).

۲۷. نوری، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البیت (ع).

۲۸. یالجن، مقداد (۱۳۹۵). درآمدی بر تربیت اخلاقی در اسلام. ترجمه و تلخیص: بهروز رفیعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.